



# مطالعة معارف بهائی

شماره ۹

الكل و موادّ مخدر

نوشتة دكتور عبدالميثاق قديران

ترجمة دكتور فرهنگ جبّارى

۱۵۲ بديع - ۱۹۹۵ ميلادى

ISBN 1 - 896193 - 12-9

مؤسسة معارف بهائى

P.O. Box 65600 Dundas, Ontario, L9H 6Y6, Canada

## در باره مؤلف

دکتر عبدالمیثاق قدیریان استاد دانشکده طب دانشگاه مک گیل و روان‌پزشک ارشد بیمارستان سلطنتی ویکتوریا در شهر مونترآل و همچنین عضو کالج سلطنتی پزشکان و جراحان کانادا و جامعه روان‌پزشکان امریکا میباشد.

دکتر قدیریان بعنوان مشاور با جامعه بین‌المللی بهائی در سازمان ملل متحد همکاری مینماید و در ۲۰ سال گذشته به نمایندگی جامعه مزبور در بسیاری از کنفرانسهای مربوط به اعتیاد به مواده مخدر و مصرف الکل شرکت نموده است.

وی در سال ۱۹۸۵ کتاب «در جستجوی نیروانا، نظری جدید در موضوع اعتیاد به الکل و مواده مخدر» و در سال ۱۹۹۱ کتاب «سالخوردگی، مجاهدات و موقعیت‌ها» را تألیف نموده و در نگارش کتاب «محیط زیست و روان‌پزشکی» با پروفیسور هاینز لهن همکاری نموده است.

رساله «شداید و بلایا و جنبه‌های روانی و روحانی آن» مربوط به وقایع اخیر ایران از دکتر قدیریان در جلد هفتم مطالعه معارف بهائی (مجموعه مقالات) از طرف مؤسسه معارف بهائی به چاپ رسیده است.

# نظر و اعتقاد دیانت بهائی در باره

## الکل و مواد مخدر

### مقدمه

مشکلات عدیده ابتلاء و اعتیاد به مواد مخدر و الکل در سراسر جهان بمرحله‌ای بحرانی رسیده است، اگرچه تعداد کثیری از متخصصین علوم پزشکی و بهداشتی بمبارزه با این مشکل برخاسته‌اند ولی امر مهم پیشگیری اعتیاد بمواد مخدر و الکل مسأله‌ای است که باید توسط جامعه پشتیبانی شود. در حال حاضر هزاران نفر از افراد جوان و بزرگسال و حتی اطفال عقل و فکر خود را تحت نفوذ این مواد سمی قرار می‌دهند. گروهی بجهت حس کنجکاو و عده‌ای بمنظور حظّ و لذّت و دسته‌ای برای آنکه حوادث پراضطراب زندگی و یا تجربیات تلخ و دردناک آن را بفراموشی بسپارند اقدام به صرف الکل و مواد مخدر می‌کنند.

تأثیرات سوء بعضی از این مواد بر روی مغز انسان و اخلاق و رفتار وی توسط علم پزشکی شناخته شده است و البته در آینده عوارض بیشتری نیز کشف خواهد شد.

گرچه سابقه استعمال مواد مخدر به قرون گذشته تاریخ

میرسد ولی این بلای اجتماعی امروزه به حدّ اعلاّی وقاحت خود رسیده است و دلیل آن جز روحیّه لذّت طلبی مردم عصر ما نیست و این روحیه و طرز فکر با امکانات متعدّدی که برای رفع احتیاجات مردم وجود دارد تقویت شده است. فرهنگ کنونی غرب خوشی و سعادت را در بهره جویی از لذّات و موفقیتهای آنی می داند، بردباری و تحمّل جای خود را به سرعت و عجله داده و چنین بنظر میرسد که مصرف موادّ مخدّر با چنین روش زندگی به بهترین وجهی تطبیق می کند. اثر آنها فوری است و سرعت تأثیر بستگی به نوع مادهّ مخدّر دارد هرچند که قدرت لذّت بخشی آنها موقتی است.

اعتیاد از گرفتاریها و مصائب دنیای بشریت است. برای درک بیشتر این مسأله در این جزوه ابتدا در باره حقیقت انسان که عبارت از اندیشه (THOUGHT) خرد (INTELLECT) و عقل (MIND) است صحبت خواهد شد، متأسفانه همین حقیقت انسان است که اولین قربانی اعتیاد بموادّ مخدّر محسوب می شود. سپس در باره اثر موادّ مخدّر و وسعت استعمال آن در جامعه مطالعه نموده و اثرات سوء این موادّ در انسان و عواقب روانی و روحانی آن را با استفاده از علم روانشناسی عصر حاضر و با الهام از آثار بهائی مورد تحقیق قرار خواهیم داد و از آنجا که یکی از اهداف ادیان الهی تربیت بشر و آماده نمودن او برای نیل به مدنیت دائم الاتّساع می باشد، قسمت آخر این جزوه به بحث در باره تعلیم و تربیت برای پیشگیری از اعتیاد به موادّ مخدّر و الکل اختصاص

## عقل و موهبت خرد و دانائی

از آنجا که مغز انسان هدف اولیة داروهای مخدر می باشد بجاست در باره موهبت خرد و دانائی و نیروی عقلانی و قوای ذهنی مطالعه کنیم.

بفرموده حضرت بهاء الله اولین و بالاترین نعمتی که به بشر عنایت شده نعمت خرد است. می فرمایند:

**«اولین نعمتی که به هیکل انسانی عنایت شد خرد بوده و هست و مقصود از او عرفان حقّ جلّ جلاله بوده اوست مدرک و اوست هادی و اوست مبین» (۱)**

همچنین در آثار بهائی ملاحظه می کنیم که می فرمایند:

**«عقل قوّه روح انسانی است، روح بمنزله سراج است، عقل بمنزله انوار که از سراج ساطع است، روح بمنزله شجر است و عقل بمنابۀ ثمر. عقل کمال روح است و صفت متلازمه آنست مثل شعاع آفتاب که لزوم ذاتی شمس است» (۲)**

این واضح است که قوّه خرد و دانائی انسان را از سایر مخلوقات ممتاز می سازد و حفظ این موهبت که صفت ممیّزه انسان از حیوان محسوب می گردد از وظایف آدمی است. حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

**«بدایع حمد و ثنا و جوامع شکر و سپاس درگاه احدیت**

پروردگاری را سزااست که از بین کافه حقائق کویته حقیقت انسانیته را بدانش و هوش که تیرین اعظمین عالم کون و امکان است مفتخر و ممتاز فرموده و از نتایج و آثار آن موهبت عظمی در هر عصر و قرنی مرآت کائنات را بصور بدیعه و نقوش جدیده مرتسم و منطبع نموده، چه اگر بدیده پاک در عالم وجود نگری مشهود گردد که از فیوضات فکر و دانش هیکل عالم در هر دوری بجلوه و طوری مزین و بلطائف بخشایش جدیدی متباهی و مفتخر است» (۳).

### جایگاه بلند روح انسانی

حضرت ربّ اعلی حقیقت جسمانی بدن انسان را بمنزله عرشی برای حقیقت روحانی او تعبیر می فرمایند:

«چون این جسد ظاهری عرش آن جسد باطنی است بر آنچه آن حکم می گردد این هم محکوم بحکم می گردد والّا آنکه متلذذ می گردد یا متألّم اوست باین جسد نه نفس این، از این جهت است که خداوند از جهت آنکه عرش آن جسد بوده حکم فرموده در حقّ او بمنتهای حفظ او که آنچه سبب گره او گردد بر او وارد نیاید زیرا که جسد ذاتی بر عرش خود ناظر است بر این جسد و اگر عزّ این را مشاهده کند گویا او عزیز گشته و اگر دون این را مشاهده کند بر او وارد می آید آنچه وارد

می‌آید از این جهت است که امر باعظام و احترام آن

بغایت شده ...» (۴)

حضرت عبدالبهاء در بارهٔ قوای مغزی که عامل فعالیت‌های فکری و عقلانی است چنین می‌فرمایند:

« قوای عقلیه از خصائص روح است نظیر ... شعاع که از خصائص آفتاب است . اشعهٔ آفتاب در تجدد است و لکن نفس آفتاب باقی و برقرار. ملاحظه فرمایند که عقل انسانی در تزیید و تناقض است و شاید عقل بکلی زائل گردد و لکن روح بر حالت واحده است و عقل ظهورش منوط به سلامت جسم است جسم سلیم عقل سلیم دارد ولی روح مشروط به آن نه، عقل بقوهٔ روح ادراک و تصوّر و تصرف دارد ولی روح قوهٔ آزاد است» (۵).

## طبیعت انسان

مطالعه در بارهٔ طبیعت انسان با الهام از تعالیم دیانت بهائی بما کمک می‌کند که بتوانیم شدت تأثیر استعمال مواد مخدر را بر روحانیت انسان بهتر درک کنیم.  
حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«در انسان دو طبیعت است: طبیعت جسمانی و طبیعت روحانی ... طبیعت جسمانی مصدر هر نقص است و طبیعت روحانی مصدر هر کمال ... این طبیعت روحانی که از فیض حقیقت رحمانیه تحقق یافته جامع جمیع کمالات است

... این طبیعت کمالات الهیه است انوار است روحانیات است  
هدایت است علوکت است بلندی همت است عدالت است  
محبت است موهبت است مهربانی به جمیع خلق است  
خیرات است حیات اندر حیات است « (۶)

از این بیان مبارک نتیجه می‌گیریم که اگر طبیعت عالیّه  
انسان تکامل یابد صفات و کمالات عالیّه تظاهر می‌کند و اگر  
طبیعت ادنی یا مادی فعالیت کند و پیشرفت نماید صفات و رفتار  
پست چون عدم عدالت، حرص، تجاوز، و غیره ظاهر می‌شود.  
می‌توان گفت که تحریکات غریزی انسانی و اعمال و رفتار  
خودخواهانه از طبیعت ادنی ظاهر می‌شود، و بنابراین طبیعت  
ادنی قسمتی از طبیعت انسان است که تصمیم به استعمال موادّ  
مخدّر می‌گیرد.

اراده انسان نیز در این قسمت نقش مهمّی را بعهده دارد،  
نتیجه این جهان تحریک خصوصیات خودخواهانه و رفتار ناشایسته  
می‌باشد و بالتّیجه مانع رشد اخلاق نوعدوستانه و صفات عالیّه  
می‌گردد، بطور خلاصه طبیعت پست غالب بر طبیعت عالی  
می‌شود، پس استعمال موادّ مخدّر برای طبیعت عالی ناگوار و  
برای طبیعت پست دلپذیر است.

البته باید توجه داشت که در عالم جسمانی پدیده‌هایی چون  
تشنگی، گرسنگی و خواب وجود دارد که ارضای آنان از خواصّ  
طبیعت جسمانی است. رفع این احتیاجات اولیّه انسان غیر از  
ارضاء مسائل ذکر شده در فوق است و بنابراین نباید بعنوان



## ماهیت مواد مخدر

مواد مخدر موادی هستند که قادر بر تحریک و یا کاهش فعالیت‌های سیستم مرکزی اعصاب می‌باشند. بیشتر آنها محرک حس لذت و هیجانات درونی هستند و بعلاوه تأثیر خاص این مواد بر سلولهای مغزی می‌تواند موجب اعتیاد روانی و یا اعتیاد فیزیولوژیکی بشوند و همچنین بر حسب نوع و مقدار و مدت استعمال می‌تواند مغز و ریه و قلب و اعضای دیگر را نیز بخطر اندازد. اعتیاد سبب می‌شود که قدرت تحمل بدن نسبت بآن ماده مخدر تدریجاً افزایش یابد در نتیجه شخص برای نیل به حس ارضاء مجبور به استعمال مقادیر بیشتر ماده مذکور می‌شود. اگر شخص معتاد دفعتهاً مصرف ماده مخدر را قطع کند علائمی در او ظاهر می‌شود که ممکن است خطرناک باشد.

مؤسسه بهداشت جهانی (WHO) اعتیاد بمواد مخدر را

چنین تعریف می‌کند:

«اعتیاد بماده مخدر عبارت از حالتی است روانی و گاه در عین حال جسمانی که در نتیجه فعل و انفعال بین موجود زنده و ماده مذکور ایجاد می‌شود و خصوصیت آن عبارت از حالتی است که در نتیجه آن احساس احتیاج شدید و اجباری به استعمال مداوم در شخص بوجود می‌آید تا بتواند تأثیر آنرا احساس کند و یا

ناراحتی حاصل از عدم استعمال آن را رفع کند».

نگارنده در کتاب خود بنام «در جستجوی نیروانا» (IN SEARCH OF NIRVANA) تاریخچه استعمال مواد مخدر و دسته بندی این مواد را بطور مفصل شرح داده است. جهت رعایت اختصار از تکرار آن مطالب خودداری می شود و خواننده می تواند برای اطلاع بیشتر به کتاب مذکور و یا نوشته های دیگر مراجعه نماید.

### داروهای ترکیبی (SYNTHETIC)

در سالهای اخیر داروهائی تحت عنوان «داروهای مارک دار» (DESIGNER DRUGS) توسط متخصصین علم شیمی ساخته شده است. این داروها در آزمایشگاههای غیرمجاز بقیمت های نازل تهیه می شود و تشخیص آنها بسیار مشکل است. این آزمایشگاهها می توانند عامل بزرگ شیوع داروهای مخدر در آینده باشند. برای مثال یکی از داروهای ساختگی (SYNTHETIC) که در بین دانشجویان معمول شده است ماده ای است بنام NDMA و یا (EXTASIA). این ماده بنام «LSD سالهای ۸۰» نامیده شده است. این ماده از یک طرف شبیه کوکائین است بدین معنی که حالت خوشی و سرمستی و هیجان EXCITING ایجاد می کند و از طرفی دیگر شبیه LSD است که در اثر تغییرات مغزی در فرد حالات تخیلی (HALLUCINATORY) بوجود می آورد. بدون آنکه ایجاد وحشت کند NDMA ممکن است صدمه دائمی بمغز وارد

ماده دیگری که در ساحل غربی آمریکا ساخته می شود از داروهائی تهیه شده که در جراحی بکار برده می شود. شیمیست ها با تغییرات شیمیائی در ماده اصلی این داروها ماده جدیدی بنام (CHINA WHITE) بوجود آورده اند. این ماده جدید ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ بار قوی تر از هروئین است و مقدار بسیار کمی از این ماده تأثیری شدید در انسان دارد. ضمناً پخش این ماده بسیار آسان است. در سال ۱۹۸۵ در کالیفرنیا ۲۳۵ کارخانه ماده مخدر کشف شد. اعتقاد بر آن است که بازای یک کارخانه کشف شده لا اقل ۳ کارخانه کشف نشده وجود دارد.

### تأثیر مواد مخدر

استفاده از یک ماده خارجی نظیر ماده مخدر برای پر کردن خلائی که شخص در درون خود احساس می کند و یا بکاربردن آن برای ایجاد حس اعتماد و اطمینان کاری بیهوده و عبث است. این بیان مبارک حضرت بهاء الله را بخاطر می آوریم که می فرمایند:

«یا ابن الروح ما قدر لك الراحة إلا باعراضك عن نفسك  
 و اقبالك بنفسی لأنه ینبغی أن یكون افتخارك باسمی لا  
 باسمك و اتكالك علی وجهی لاعلی وجهك لانی وحدی  
 احب ان اكون محبوباً فوق كل شیء» (۷)

اعتیاد به ماده مخدر عبارت از ارتباطی است که شخص با ماده ای بیجان و بی شعور برقرار می کند. و نتیجه این ارتباط

اعتیاد به مادهٔ مخدر است و نهایتاً انسان طعمهٔ قوهٔ معتاد کننده مادهٔ ای می‌شود که خود بی‌عقل است MINDLESS و دیر یا زود متوجه خواهد شد که معشوق او چیزی چون خاک است. حضرت بهاء الله می‌فرماید:

**«یا ابن البیان وجه بوجهی و اعرض عن غیری لانّ  
سلطانی باق لایزول ابدا و ملکی دائم لا یحول ابداً و ان  
تطلب سوائی لن تجد لو تفحص فی الوجود سرمداً ازلاً»**  
(۸).

عدهٔ زیادی از مردم از طریق مواد مخدری که بنام "GATEWAY DRUGS" نامیده می‌شود وارد دنیای اعتیاد می‌کردند. مانند مشروبات الکلی، مری جوانا و کوکائین. عدهٔ زیادی از معتادین اعتقاد به آزادی دارند و با قوانین و اعتقادات اجتماع مجادله می‌کنند.

امروز عدهٔ زیادی سرگردان بدنبال اعتیاد روانند و در وادی خیال و اوهام گم‌گشته هدفی جز ارضای خاطر خویش ندارند. رابرت دوپونت جونیر . ROBERT DUPORT JR علل و عوامل شیوع اعتیاد را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است بنا بعقیدهٔ او «فرهنگ جوانان» که پس از جنگ جهانی دوم شکوفا شده بود معتقد به محورهای مهارکنندهٔ سنتی بود. هدف اکثر «تحولات اجتماعی» در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تقلیل کنترل بر روی اعمال و رفتار انفرادی و اجتماعی و کم کردن میزان انتظارات نسل قدیمی از جوانان بوده است.

والدین، معلمین و اجتماع معتقد به روش آسان‌گیری در مورد جوانان شده بودند. این چنین روش آزادی طلبانه محتملاً بوجود آمدن «نسل من» (ME GENERATION) در بین نوجوانان و جوانان شد، اصطلاحاتی از قبیل «پس من چه؟ (WHAT ABOUT ME?) و یا «حق من چی؟» (WHEN DO I GET MINE) جزو محاورات روزمره جوانان شد.

موضوع مهم دیگری که دوپوند بآن اشاره می‌کند مسأله توجه به حال و احساس احتیاج افراد به خوشی و لذت آنی و سپس به اهمیت محدود کردن چنین روش و افکاری است که در چند دهه اخیر بوجود آمده است. نتیجه این واقعیت تاریخی این است که جوانان بین سن‌های ۲۰ و ۳۵ سال تعهد بانجام رساندن کار و حتی لذت بردن از فعالیت‌های روزمره را امری مشکل می‌یابند. او علت این مسأله را بالا رفتن حد انتظار افراد از لذات و خوشی‌ها می‌داند که افراد بهیچوجه حاضر نیستند در آن تقلیلی دهند. از مشکلات دیگر حاصله از این طرز فکر افزایش بی‌سابقه طلاق‌ها، از هم پاشیدگی خانواده‌ها و وجود پدرها و مادرانی است که بتنهایی مسؤلیت اداره بچه‌ها را دارند و همچنین ورود مادرانی است که فرزندان خردسال دارند و میخواهند به بازار کار وارد شوند. این پدیده اهمیت وجود والدین را در نظر میلیونها فرزند از بین می‌برد.

در کتابها و مجلات پزشکی و وسایل ارتباط جمعی در باره عصیان و رفتار تجاوزکارانه که در نتیجه استعمال مواد مخدر

بوجود می‌آید بسیار صحبت شده است. در یکی از گزارشات تحقیقی اخیر نشان داده شده است که استعمال (P C P) PHENEYLIDINE سبب رفتار خشونت آمیز و وحشیانه نسبت بخود شخص و یا دیگران می‌شود. بنظر محققین اینگونه اعمال وحشیانه در افراد با رفتار اصلی آنان هنگامی که تحت تأثیر این مادهٔ مخدر نیستند بسیار متفاوت است. در یک گزارش آمده است که افراد تحت تأثیر P C P اقدام به قتل دیگران و قطع اعضای خود کرده‌اند. این راپرت و مشاهدات دیگر نشان داده است که این مادهٔ مخدر شعور و منطق را از بین برده و سبب می‌شود که شخص اعمالی بی‌باکانه و خطرناک انجام دهد که حتی ممکن است سبب از بین رفتن او گردد. مثلاً یکنفر که P C P استفاده کرده بود سعی می‌کرد از قفس خرس قطبی بالا رفته داخل آن شود تا از او عکس بگیرد. (۹)

## عصر تحوّل

امروزه نوع بشر شاهد یکی از عظیم‌ترین تحولات تاریخی است که از خصوصیات آن بی‌اعتبار شدن عقاید اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. این بی‌اعتباری و سقوط علامت دوران انتقال از نظم جهانی قدیم به نظم جهانی جدید است. ما در دورانی از تاریخ زندگی می‌کنیم که تمدن قدیم در هم می‌ریزد و از بین می‌رود و تمدن جدید جایگزین آن می‌گردد. بسبب قوهٔ خفیهٔ امر جدید تعادل نظم قدیم عالم و مؤسسات آن متزلزل شده و بشریت

را متحیر ساخته است، عقاید و ارزشهای قدیم در هم پاشیده و عقاید و ارزشهای جدید جایگزین آن می‌گردد.

این دوره با همه اغتشاش‌ها و کشمکش دوره ماقبل از رشد و بلوغ انسان در تاریخ بشر محسوب می‌گردد. این دوران مانند هر مرحله تحول مملو از اضطراب و بلاتکلیفی است. در چنین دوران تغییر و تحول سریع از عهده فشارها و سختی‌ها برآمدن کاری بس دشوار است.

اگرچه استعمال الكل و مواد مخدر فقط یکی از تظاهرات این بحران است ولی نفوذ و اهمیت این مشکل چنان زیاد است که منشی دبیر کل سازمان ملل متحد (۱۹۸۷) آن را بنام «طاعون عصر ما» نامید که توجه جدی جوامع بین‌المللی باید بآن معطوف گردد. کسانی که این مواد را استعمال می‌نمایند از همه طبقات اجتماعی میباشند و دیگر متمرکز در شهرهای بزرگ ممالک غربی نیستند. امروزه استعمال مواد مخدر در زندگی اکثریت قریب باتفاق ملل جهان نفوذ کرده است. هرچه بر تعداد خریداران این مواد در دنیا افزوده می‌گردد درخواست آن بیشتر می‌شود و در نتیجه تولید آن ازدیاد می‌یابد و این خود مشوق تولید و پخش و تجارت مواد مخدر در قسمتهای مختلف جهان می‌گردد. اگر این روند ادامه یابد، همچنانکه در سالهای اخیر ادامه داشته، مواد مخدر وسیله ایجاد بازار بین‌المللی «لذت» و «ارضاء» می‌شود که بسیاری از افراد افسرده و سرگردان را بخود می‌کشاند. بنابراین یکی از مبادی اساسی ریشه‌کن کردن اعتیاد پیشگیری از آن

است. بقول معروف ارزش ذره‌ای پیشگیری از ده‌ها بار مداوا در این مورد بیشتر است. در حقیقت این پیشگیری تنها راه حلّ در مقابل بحران اعتیاد می‌باشد.

## جوانان و اعتیاد

نوجوانی دوران تغییر و تحول و جستجوی دائمی برای پی بردن به ارزش‌ها (VALUES) و آرمان‌های جدید می‌باشد. دورانی است که رشد و نموّ عقلانی و احساسی و فیزیولوژی در آن بمرحله‌ای بحرانی می‌رسد. نتیجه نهائی این تغییر و تحول درک دوران بلوغ و کمال است. اما قبل از آنکه این تحول تحقق یابد نوجوانان روش و رفتار و عقاید جدید و یا راه‌های نوین زندگی را تجربه می‌کنند تا شخصیت خود را تثبیت کنند. این تجربیات ممکن است از نقطه نظر هدف و نتیجه سازنده و یا مخرب باشد. ولی قطعی است که اعتیاد به تجارب بسیار خطرناک است.

عوامل مختلفی باعث انتشار اعتیاد در بین افراد جوان می‌شوند. این عوامل یا داخلی است و یا خارجی و یا هر دو. بعضی از عوامل داخلی بقرار زیر است:

۱ - سنّ بلوغ دورانی است که در آن یادگیری و حس کنجکاوی زیاد است. از طرف دیگر تجربه کردن مواد مخدر ممکن است بصورت وسیله‌ای برای اکتشاف فردی (خودآموزی) SELF EXPLORATION بکار برده شود.

۲ - در دوره نوجوانی تطبیق با دیگران مخصوصاً گروه‌های



همسالان و تقلید روش و رفتار آنان نقش مهمی را در اعتیاد جوانان به مواد مخدر بازی می‌کند.

۳ - جوانان بیشتر ماجراجو هستند و قدرت کنترل نفس در آنها کمتر است و همه آنها به تمایل به اعتیاد کمک می‌کند.

۴ - جوانان نسبت بارزش‌های جامعه آگاه‌تر و حساس‌تر هستند. در واقع مانند دستگاه سنجش (بارومتر) ارزشهای اجتماعی می‌باشند. آنها در مقابل این ارزش‌ها بی تفاوت نیستند یا آن را قبول کرده یا رد می‌نمایند. مواد مخدر می‌تواند وسیله‌ای برای از بین بردن آگاهی و هوشیاری تأثیرات آنان نسبت به ارزش‌های سیستم اجتماعی فرسوده‌ای باشد که از نظر آنان مفهومی نداشته و فاقد ارزش است.

از جمله عوامل خارجی که به اعتیاد جوانان کمک می‌کند در دسترس بودن مواد مخدر، حالت مجاز بودن آنها و ترغیب همقطاران می‌باشد. همچنین ناسازگاری خانواده، مدرسه، فشار اجتماعی، روش زندگی مسابقه‌ای، تغییرات اجتماعی و اقتصادی غیرقابل پیش‌بینی و عدم اطمینان بآینده می‌تواند از عوامل مؤثر اعتیاد باشد. کسانی که فاقد اعتماد بنفس هستند ممکن است در مقابل اعتیاد آسیب‌پذیرتر باشند.

علاوه بر عوامل فوق جوانان، مشروبات الکلی را وسیله‌ای برای «حال خوش داشتن» و یا «خوش گذراندن» محسوب می‌دارند. بسیاری از خانواده‌ها، وسائل ارتباط جمعی و جامعه دائماً این عقیده را تقویت می‌کند که خوش گذراندن یعنی مشروب الکلی

خوردن، بنابراین جوانان و نوجوانان باین نتیجه می‌رسند که برای «خوش گذراندن» و یا برای «احساس بهتر داشتن» نوشیدن مشروبات الکلی امری طبیعی است.

در اعتیاد چهار مرحله وجود دارد: امتحان کردن، گاه گاهی استفاده کردن، بطور مداوم بکار بردن و اعتیاد. این مراحل ممکن است همیشه این ترتیب را تعقیب نکند.

۱ - امتحان کردن: این مرحله اولیّه است که در آن شخص می‌خواهد حس کنجکاوی خود را ارضاء نماید. این مرحله برخلاف آنچه بسیاری از مردم تصوّر می‌کنند بی‌خطر نیست و می‌تواند شخص را بمراحل بعدی سوق دهد.

۲ - استعمال غیر مداوم و یا مصرف در هنگام معاشرت: مانند مرحله اول شخص هنوز رُل غیر فعّال دارد و اکثراً تحت تأثیر دیگران است. استعمال مادهٔ مخدر در این مرحله کمتر از یکبار در هفته است.

۳ - استعمال مداوم: در این مرحله استعمال کننده بطور فعّال دنبال مادهٔ مخدر است. حالت «نشئه» که با استعمال بعضی از این مادهٔ ایجاد می‌گردد سبب می‌شود که شخص بطرف مصرف آنها پیش رود و بسیاری از افراد افسرده ممکن است اینگونه داروها را برای رفع حالت افسردگی خود بطور مداوم استعمال نمایند که در نتیجه این گروه یا افسرده تر می‌شوند و یا معتاد می‌گردند.

۴ - وابستگی: این مرحله اصلی اعتیاد است. شخص استعمال

کننده نه تنها فعالانه دنبال مادهٔ مخدر است بلکه حاضر است بخاطر آن سلامت، کار و خانوادهٔ خود را فدا کند و بهر قیمتی که شده مادهٔ مخدر را بدست آورد و شخص معتاد برای بدست آوردن مادهٔ مخدر، دست به وحشیگری، جرم، فحشا و بسیاری دیگر از صفات ناپسند بشری میزند. در این مرحله نه تنها تغییرات روانی اعتیاد ایجاد می شود بلکه تأثیر بیولوژیکی مادهٔ مخدر نیز وارد عمل می گردد و در نتیجه شخص مصرف کننده محکومی است که هویت خود را از دست داده است.

### **مطالبی چند در بارهٔ احصائیۀ مواد مخدر**

مشروبات الکلی بیشتر از مواد مخدر دیگر بکار برده می شود و معمولاً اولین مادهٔ معتاد کننده است که قبل از مواد مخدر دیگر امتحان می شود. این مسأله تا حد زیادی معرف آن است که مشروبات الکلی آسانتر بدست می آیند و اجتماع نسبت به استعمال آن ها حالت آزادتر دارد.

اگرچه الکل و اعتیاد به آن از زمان های بسیار قدیم از طرف جامعهٔ بشر شناخته شده بوده ولی هیچوقت این اعتیاد در بین جوانان باندازهٔ امروز رایج نبوده است.

استعمال الکل و مواد مخدر در بین نسل جوانتر هم معمول شده و همچنین در نقاط روستائی نشین در حال پیشرفت است و با پیشرفت سریع خود اساس زندگی خانوادگی افراد را بخطر انداخته است. نوشیدن مواد الکلی در بین دانش آموزان

سالهای اولیه دبیرستان نیز رونق یافته و شیوع آن در میان دختران بدرجه‌ای رسیده است که در زمان فارغ‌التحصیلی تقریباً تعداد دختران و پسرانی که از مواد الکلی استفاده کرده‌اند یکسان است. تکرر نوشیدن الکل و استفاده از حشیش CANNABIS کوکائین COCAINE و دیگر مواد مخدر بطرز وحشتناکی در بین جوانان زیاد شده است. بطور مثال از اوایل سال ۱۹۶۰ تا اوایل ۱۹۸۰ مصرف مواد مخدر بین نوجوانان در حدود ۱۰ - ۳۰ مرتبه افزایش یافته و همزمان با آن خودکشی در بین جوانان نیز تقریباً دو برابر شده است.

استفاده از مواد مخدر در بین دانشجویان نیز زیاد بوده و برخلاف انتظار عموم دانشجویانی که در رشته‌های سنگین علمی نیز تحصیل می‌کنند از این قاعده مستثنی نیستند. بطور مثال، دکتر DR. JAMES MADDUX و همکاران از مرکز علوم پزشکی تکزاس TEXAS HEALTH SCIENCE CENTER در گزارش خود راجع به تحقیقاتی که در مورد ۱۳۳ دانشجوی ارشد پزشکی انجام شده نشان داد که این دانشجویان از مواد پسیکوآکتیو (محرک اعصاب) زیر استفاده کرده بودند. سیگار ۴۴ درصد، الکل ۹۶ درصد، مری جوآنا ۵۷ درصد، آمفتامین‌ها ۲۲ درصد، کوکائین ۲۰ درصد، مواد آرام بخش ۱۷ درصد، بنزو دیازپین‌ها (مثلاً والیوم) ۳۷ درصد، هالوسنیوزن‌ها ۱۵ درصد و اپیوئیدها ۴۰ درصد. ۱۲ درصد دانشجویان اظهار داشتند که در یکماه گذشته تقریباً هر روز از یک یا بیشتر از این مواد استفاده کرده بودند.

همچنین موادّ مخدّر افراد را در محل کار و مراکز صنعتی نیز تحت تأثیر قرار داده است.

در ۱۰ سال بین سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ تقریباً ۵۰۰۰۰ تصادفات هوانوردی در آمریکا بوجود آمده است که ۴۰۰ تصادف (۸ درصد) بعّلت استعمال مشروبات الکلی بوده است.

استفاده از الکل و موادّ مخدّر نه تنها سبب آسیب رساندن به عقل و جسم انسان است بلکه بار سنگینی بر جامعه و اقتصاد آن می باشد. مثلاً هزینه سالیانه اعتیاد به الکل در آمریکا تقریباً ۸۹,۵۰ بلیون دلار گزارش شده است که هر سال جهت معالجه و ضررهای غیر مستقیم از قبیل کم شدن راندمان کار، مرگ زودرس، صدمات مالی که در اثر تصادفات و تخلف در رابطه مستقیم با الکل بوجود می آید مصرف می گردد. بعلاو ۴۶,۹۰ بلیون دلار دیگر نیز در سال ضرر مستقیم یا غیر مستقیم آن به دنیای کار و اقتصاد است. محاسبه شده است که این مخارج بیش از چهار برابر مقداری است که برای مطالعه درمان سرطان بکار برده می شود. همچنین تحقیق شده است که در آمریکا الکل و موادّ مخدّر ۲۵,۵ میلیون نفر را آلوده کرده است.

در شوروی ۲ میلیون مرد و زن الکلی وجود دارد. گزارش شده است که در شوروی سالیانه حد اقل ۵۰۰۰۰ نفر در رابطه مستقیم با الکل در سوانح رانندگی کشته می شوند و در آمریکا همه ساله ۲۵۰۰۰ نفر بهمین علت از بین میروند. در شوروی این رقم ۱۰ درصد تصادفات کلّی ترافیک است که در اثر صرف

مشروبات الکلی بوجود می آید.

## تأثیر سبک و روش زندگی

تمدن متمدنی و پیشرفته ایجاب می کند که در کیفیت زندگی انسان و دید افراد نسبت بخودشان بهبود حاصل گردد، در حالیکه مسیر فعلی امور بشری کاملاً در جهت مخالف این مسأله است. بنا بر آثار دیانت بهائی که اصول اساس نظم بدیع جهانی را بیان می دارد تا زمانی که قوه تفکر و استعداد بشر با تربیت معنوی و روحانی همراه نباشد آن مدنیت اساس محکم و مطمئن نخواهد داشت.

حال چنانچه سبک و روش زندگی را در امریکای شمالی از نزدیک مورد مطالعه قرار دهیم خواهیم دید که هردو آنها نهایتاً به تربیت خانوادگی مربوط می شود.

اگر بطور مثال بعلل اصلی مرگ و میر در آمریکا دقت کنیم مشاهده می کنیم که از ۱/۷ میلیون مرگ که سالیانه در آن مملکت اتفاق می افتد ۳۰ درصد آن ها بعلت استعمال الکل و سیگار بوده است.

این ارقام نشان دهنده عواقب حزن انگیز روش زندگی ناسالم می باشد. اگر می خواهیم پیشگیری از اعتیاد کنیم باید در سبک و روش زندگی دقت نمائیم. دیانت حضرت بهاء الله قادر است افراد را تغییر داده نسل جدیدی از انسان ها با سبک و روش زندگی بسیار سالمتری بوجود آورد.

## چند عامل محرک

از آنجا که بعضی از عوامل روانی و اجتماعی محرک استعمال الکل و موادّ مخدر می‌باشند لذا در نمودار زیر تعدادی از این عوامل بطور خلاصه نشان داده می‌شوند.

بعضی از عوامل مهمّ که به اعتیاد جوانان به الکل و مواد مخدر کمک می‌کند عبارتند از:

۱ - تربیت دوران کودکی

۲ - نفوذ اطرافیان

۳ - مشخصات خانواده (مثلاً الکی بودن والدین)

۴ - مجاز بودن از نظر عادات و دید اجتماعی (مانند مصرف الکل و موادّ مخدر)

۵ - عوامل اجتماعی، از جمله مقبولیت، در دسترس بودن و تبلیغات از طریق وسائل ارتباط جمعی

۶ - اختلافات خانوادگی و عدم ارتباط در محیط خانه

۷ - رد کردن ارزشهای خانوادگی و اجتماعی

۸ - لذّت طلبی، «احساس خوشی کردن»

۹ - بیزاری و تنفر ALIENATION

۱۰ - تنهایی، خجالت و محرومیت از مهر و محبت

۱۱ - احساس شکست و یأس و ناامیدی (مخصوصاً در اجتماعی که پر از رقابت است)

۱۲ - ملالت و رخوت

۱۳ - انگیزه‌های تجاوزکارانه

- ۱۴ - کوشش بمنظور خودیابی
- ۱۵ - جستجو برای یافتن راه گریز
- ۱۶ - انزوا و یا فشار شدید اجتماعی
- ۱۷ - فقدان ارزشهای معنوی و دینی
- ۱۸ - جستجو برای یافتن مجوّز جهت وصول به مرحله بلوغ
- ۱۹ - انگیزه‌های خود ویرانگری بطور آگاه و یا ناخود آگاه
- ۲۰ - کنجکاوی و تمایل به تجربه کردن
- ۲۱ - فشارهای روحی و اجتماعی
- ۲۲ - عدم توانائی به قبول شخص خود
- ۲۳ - طلبیدن مادهٔ مخدّر مورد اعتیاد
- ۲۴ - یافت نشدن امکانات مثبت دیگر

### **نظر دیانت بهائی در قبال استعمال الکل و مواد مخدر**

آثار دیانت بهائی بما بینش بیشتری در بارهٔ هدف زندگی انسان و دید او در بارهٔ استعمال الکل و موادّ مخدّر را می‌دهد. بسیار مهمّ است که ما خود را هرچه بیشتر آشنا به آثار مبارکه در این خصوص بنمائیم چه که این آثار به افکار و اعتقادات ما در مورد استعمال این موادّ شکل و فرم می‌دهد. این موضوع نه تنها برای سلامتی جسمانی، عقلانی و روحانی خود ما مهمّ است بلکه برای سلامتی هزارها نفر که در آینده به امر مبارک اقبال خواهند کرد و در بین آنها ممکن است عدّهٔ زیادی مشکل استعمال الکل و موادّ مخدّر را داشته باشند نیز اهمیت دارد



کسانی که این مواد را استعمال می‌کنند، مخصوصاً جوانان در جستجوی کیفیتها و صفاتی هستند که اغلب در خانه و اجتماع مشکل یافت می‌شود. یکی از این عوامل گم شده مورد قبول واقع شدن یا پذیرفته شدن است. یا عضو شدن در گروهی که از مواد مخدر استفاده می‌کنند شخص احساس می‌کند که از طرف بقیه گروه پذیرفته شده است. ترغیب همقطاران در بین جوانان رُل بسیار مهمی را در این گرایش آنان بطرف مواد مخدر بازی می‌کند. بسیاری از آنان احساس می‌کنند که قبول شدن از طرف گروه مهمتر از آن است که مواد مخدر را رد کنند و بصورت یک فرد خارجی باقی بمانند.

خواسته های دیگری که با استعمال مواد مخدر ارضاء می‌شوند عبارتند از: احتیاج به احترام بنفس SELFSTEEM، اعتماد بنفس، شجاعت، قدرت و احساس خوب نسبت بخود داشتن. مواد مخدر در اکثر مواقع آنا جوابگوی این احتیاجات می‌شوند و به جوانان احساس رضایت و اعتماد و شجاعت و قدرت می‌دهند که البته همه آنها موقتی و غیر واقعی است. وقتی ما آثار بهائی را مطالعه می‌کنیم متوجه می‌شویم که عامل بالقوه POTENCIAL برای درک این احتیاجات توسط آثار حضرت بهاء الله در دسترس ما قرار گرفته است. مثلاً در یکی از مناجاتها می‌فرمایند:

**«أَيُّ رَبِّ فَأَجْعَلْ رِزْقِي جَمَالِكَ وَ شَرَابِي وَمَالِكَ وَ أَمَلِي  
رِضَائِكَ وَ عَمَلِي فَنَائِكَ وَ أَيْسِي ذِكْرِكَ وَ مُعِينِي سُلْطَانِكَ**

و مُسْتَقْرَى مَقْرَكَ وَ وَطْنَى الْمَقَامِ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَقَدَسًا مِنْ  
حُدُودَاتِ الْمُخْتَجِينَ وَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْقَدِيرُ.»  
(۱۰).

متوجه می شویم که تعدادی از آرزوها و احتیاجات انسان بوسیله  
توجه به خداوند و طلب رضای او تحقق می یابد. در مورد شجاعت  
در آثار بهائی می خوانیم:

«رَأْسُ الْقُدْرَةِ وَ الشَّجَاعَةِ هُوَ اعْلَاءُ كَلِمَةِ اللَّهِ وَ الْاسْتِقَامَةُ  
عَلَى خُبِّهِ» (۱۱)

این شجاعتی است که حقیقی و دائمی است و بزندگی مفهوم  
می بخشد. در حالی که شجاعت که بوسیله استعمال مواد مخدر  
ایجاد می شود موقتی است و غیر واقعی.

همچنین مقبولیت را می توان در عشق و محبتی که از  
جامعه بهائی سرچشمه می گیرد جستجو کرد که با قوه شفابخش  
اتحاد و طریق محبت جنبه مثبت تری را نسبت به «مقبولیت»  
حاصله در محیط اعتیاد بوجود می آورد.

احساسات مثبتی چون احساس خوب داشتن، اطمینان و  
رضایت می تواند بوسیله خدمت به خلق و توجه قلب و روح شخص  
به خداوند که منشأ فرح و خرسندی است حاصل گردد. قوه خلاصه  
بیانات حضرت بهاء الله دارای قدرت تقلیب TRANSFORMATION  
است و بکسانی که ایمان داشته باشند قدرت عطا می کند. البته  
این قدرت و تقلیب حاصل نخواهد شد مگر آنکه شخص تماس  
لازم را با آثار مبارکه ایجاد کند تا بتواند برای این تقلیب الهام

## رابطه قوای حسّی و روحانی

انسان دارای پنج حس است که بوسیله آنها دنیای مادی را درک می‌کند. حسّ بینائی، حسّ شنوائی، حسّ ذائقه، حسّ بویائی و حسّ لامسه. اضافه بر آنها حضرت عبدالبهاء قوای معنوی را چنین تفسیر می‌فرماید:

«و همچنین انسان قوای معنویّه دارد. قوّه متخیله که تخیل اشیاء کند و قوّه متفکره که تفکر در حقایق امور نماید و قوّه مدرکه است که ادراک حقایق اشیاء کند. این قوای خمسّه ظاهره و قوای باطنه حسّ مشترک است. یعنی در میان قوای باطنه و قوای ظاهره توسط نماید و قوای ظاهره آنچه احساس نموده گرفته بقوای باطنه دهد. این را حسّ مشترک تعبیر نمایند که مشترک در بین قوای ظاهره و قوای باطنه است. مثلاً بصر که از قوای ظاهره است این گل را بیند و احساس کند و این احساس را بقوّه باطنه حسّ مشترک دهد. حسّ مشترک این مشاهده را بقوّه متخیله تسلیم نماید قوّه متخیله این مشاهده را تخیل و تصوّر کند و بقوّه متفکره رساند و قوّه متفکره در آن تفکر نماید و به حقیقتش پی برده پس بقوّه مدرکه تسلیم کند و قوّه مدرکه چون ادراک نمود صورت آن شیئی محسوس را بحافظه تسلیم نماید و قوّه

## حافظه حفظ نماید و در محفظه قوه حافظه محفوظ

نماید.» (۱۲)

از این تفسیر مبارک می‌توانیم متوجه ارتباط زنجیرواری شویم که توسط آن پیامها از دنیای بیرونی مادی بدنای درونی واقعیات برده می‌شود. این پیامها ممکن است احساسات را تحریک کنند و یا تخفیف نمایند و در نتیجه در روحیه و احساس انسان تغییراتی بوجود آورند. آنها ممکن است سبب بروز فعالیت‌های عقلانی INTELLECTUAL شوند و عقیده و فکر جدیدی را ایجاد کنند البته باید به این نکته مهم توجه داشته باشیم که تحت شرایط معینی ممکن است در ادراک قوای حسی و تعبیر تصاویر و یا پیامهای دریافت شده انحراف حاصل شود و در نتیجه سبب تصورات غلط از واقعیت‌های خارجی گردد (۱۳).

برای مثال، در مرحله جنون الکلی یک گل سرخ ممکن است بصورت گل سرخ درک نشود بلکه به شکل شیئی ترسناک بمغز شخص وارد شده و وحشت و اضطراب شدید ایجاد کند. استعمال مواد مخدر سبب ادراک غلط از واقعیات می‌شود. که در این مورد بصورت تخیل باطل ILLUSION تعبیر می‌شود. مواد پسیکودلیک PSYCHODELIC مانند LSD و RESCALINE سبب تغییر ادراک PERCEPTION و تعبیر پیامهائی می‌شود که توسط مغز از قوای بیرونی و تحریکات خارجی می‌رسد. در نتیجه تجربیات بصری و سمعی ممکن است بصورت بسیار اغراق آمیز درک شود و یا ممکن است بطور غیرمنطقی و غیر عقلانی تعبیر

گردد. همچنین موادّ مخدّر می‌تواند بقوای درونی مخصوصاً قوّه تخیّل و واقع‌بینی اثر کرده سبب نقض در قضاوت IMPRIMENT و اشتباه در تجربیّات ادراکی گردد (۱۴).

در عقاید بهائی در باره حقیقت انسان، روح محلّ خاصّی را در زندگی فرد اشغال می‌کند. روح مرکز حقیقت انسان است و در حول آن ابعاد و جهت‌های عقلانی، احساسی، جسمی، اجتماعی و فرهنگی وجود انسان دور می‌زند. این جهت‌ها، ابعاد و یا قوای مختلف از یکدیگر جدا نیستند بلکه با یکدیگر امتزاج می‌یابند (۱۵).

در یک زندگی متعادل، روح بصورت مرکز قوّه جاذبه روحانی قرار گرفته و تمام قوای مهمّه دیگر را تحت یک ارتباط و تعادل خلاقه در می‌آورد. بعضی افراد بعلت قابلیت و ادراک ذاتی و بکمک تعلیم و تربیت ممکن است پیشرفت قابل توجه‌تری در یکی از این ابعاد زندگی حاصل کنند (۱۶).

## نظر دیانت بهائی

حضرت بهاء الله مظهر ظهور و شارع دیانت بهائی، انسان را چنین تعریف فرموده‌اند:

**«انسان طلسم اعظم است» و «بمثابه معدن که دارای**

**احجار کریمه است مشاهده می‌شود» (۱۷).**

هدف زندگی انسان در این دنیا از نظر فردی تکمیل استعدادهای نهائی است که بافرااد عطا شده‌است و از نظر

اجتماعی ساختن تمدتی جاودانی است که از طریق خدمت به بشریت وجود می‌آید. بدیهی است ارزش واقعی انسان تنها بوسیلهٔ تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند آشکار شود. تجربیات مختلف زندگی این جریان تربیتی را تقویت می‌کند و یا تضعیف می‌نماید و نتیجتاً می‌تواند روی درک استعدادات انسان تأثیر بگذارد، بنابراین استعمال الكل و موادّ مخدّر، البتّه نه بعنوان دارو، مانعی برای درک استعدادها است. حضرت عبدالبهاء در بارهٔ استفاده و یا سوء استفاده از قوّهٔ خرد توسط انسان می‌فرمایند:

**«حالا که خدا چنین قوّه و استعدادی عنایت فرموده که خرق عالم طبیعت کند حیف است این موهبت را در امور مضرّه تلف نماید. حیف است در بغض و عداوت مجری‌دارد. حیف است در ظلم و تعدّی صرف نماید.»**  
(۱۸).

این سوء استفاده از خرد آنرا تابع تحریکات انسانی و خواسته‌های خودخواهانهٔ بشر می‌سازد، همچنین خرد وقتی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد که انسان بوسیلهٔ ارادهٔ خود از موادّ مخدّر استفاده کرده در نتیجه از قوای حقیقی خلاقهٔ خود و آشنائی با واقعیات محروم می‌گردد.

حضرت بهاء الله بلندی مقام انسان را متذکر شده و او را با بیانات مؤکّد و عارفانهٔ زیر مخاطب می‌سازند:

**«یا ابن الوجود، مشکاتی انت و معباحی فیک فاستنر به و لا تفحص عن غیری لآئی خلقتک غنیاً و جعلت النّعمة**

## علیک بالغه» (۱۹)

باعتماد اهل بهاء هدف زندگی انسان در این جهان آن است که انسان شرافت طبیعت خود و بلندی هدف خویش را در خدمت به بشریت بشناسد. دیانت و یا یک سیستم عقیدتی مورد احتیاج است که جوانان منحرف و بشریت نا امید بتوانند جهت هدایت و راهنمایی وصول بکمال بآن رو آورند. وقتی چنین اعتقاد و حس وابستگی به آن و یک هماهنگی جهانی و سمفونی روحانی وجود نداشته باشد، در موارد بحران و مشکلات، زندگانی مفهوم خود را از دست می دهد و در چنین زمانی امتحان کردن مواد محرک اعصاب (پسیکواکتیف) توجه آنان را بخود جلب می نماید.

در آثار دیانت بهائی در باره منع مصرف افیون در موارد غیر طبّی تأکید بسیار شده است. بفرموده حضرت عبدالبهاء استعمال افیون:

**«جان انسان را بگیرد وجدان بمیرد شعور زائل شود**

**ادراک بکاهد زنده را مرده نماید حرارت طبیعت را**

## افسوده کند» (۲۰)

آثار بهائی همچنین نشان می دهد که افیون «**هادم بنیان انسانیست**» (۲۱). بزرگترین خطر افیون و مشتقات آن در این است که سرعت قدرت تطبیق دهنده شخص مصرف کننده را در مقابل تأثیر شیمیائی این مواد بالا برده در نتیجه باعث اعتیاد شدید روانی و فیزیولوژیکی می شود. پژوهش در رشته های مختلف پزشکی نشان می دهد که تأثیر این مواد روی سلولهای مغزی

بسیار شدید است و عوارض قطع این مواد نیز بسیار جدی است .  
روشی که بهائیان باید در مقابل استعمال هالوسینوزن ها و  
داروهای PSYCHODELIC مانند مسالین Mescaline و  
LSD و حشیش داشته باشند روشن است. همچنانکه در یکی از  
دستخط های بیت العدل اعظم مرجع عالیة تشکیلات جامعه جهانی  
بهائی دیده می شود:

«در باره خواص باصطلاح روحانی هالوسینوزن ها (مواد  
مخدره ای که ایجاد اوهام و هذیان می کند) ... ایجاد  
احساسات روحانی باید از توجه قلب انسان به حضرت  
بهاء الله ایجاد گردد نه از طریق وسائل جسمانی مانند  
داروها و مواد مخدر ... مواد هالوسینوزنیک (مواد  
مخدره ای که ایجاد اوهام و هذیان می کند) از انواع مواد  
مخدر هستند. از آنجائی که اجتناب از جمله جوانان اکیداً  
از استعمال همه نوع مواد مخدر ممنوعند و از طرف دیگر  
از آنان انتظار می رود که وجداناً از قوانین مدنی و  
مقررات کشور خویش اطاعت و پیروی نمایند بدیهی است  
که باید قویاً از استعمال این مواد خودداری کنند.  
وظیفه بسیار سنگین صلح آینده و بهبودی دنیا بر عهده  
جوانان امروز گذاشته شده است. باشد که جوانان بهائی با  
نیروی ایمان خود نمونه درخشانی برای دوستان خود  
گردند» (۲۲).

بیت العدل اعظم همچنین مرقوم می فرمایند:



«بهایان نباید از مواد هالوسینوزنیک از جمله PEYOTE و LSD و مواد نظیر آنها مصرف کنند مگر آنکه بجهت مداوای پزشکی تجویز شده باشد. همچنین بهائیان نباید آلودهٔ تجربهٔ این مواد گردند» (۲۳).

حضرت عبدالبهاء در بارهٔ استعمال غیرطبی حشیش CANNABIS چنین می فرمایند:

«خمر سبب ذهول عقل و صدور حرکات جاهلانه اما این افیون و زقوم کثیف و حشیش خبیث عقل را زائل و نفس را خامد و خاسر نماید،» (۲۴)

تجزیه و تحلیل در نهاد و شخصیت انسان نشان می دهد که روش مورد اعتقاد بیش از دانش در شکل دادن به یک روش و اخلاق خاص مؤثر است.

دیدها و روش ها ابتدا در دوران تربیت اولیه فرا گرفته شده بعداً بصورت راه زندگی پذیرفته می شود. این دید و روش فراگرفته شده تبدیل به ارزشها می شود و ارزش ها عامل تصمیم گیری در بارهٔ دید و روش می شود. مانند تصمیم گرفتن در بارهٔ شرب یا عدم شرب الکل. عقیده ای که بنام شرب در «حد اعتدال» عموماً مورد قبول اجتماع می باشد از نظر مراکزی که با مشکلات حاصله از اعتیاد به الکل سرو کار دارند مورد بحث بسیار قرار گرفته است. نه تنها خود کلمه «حد اعتدال» چیز غیر معلومی است بلکه مقداری از الکل که برای یک نفر در «حد اعتدال» می باشد

ممکن است برای شخصی دیگر چنین نباشد، از جهت دیگر در زمانی که فشارهای عصبی بسیار زیاد است و شخص در مشکلات و بحران غوطه‌ور شده است تعیین مرز بین «حد اعتدال» و «افراط» بسیار مشکل می‌شود، همچنین بسیاری از الکلی‌ها در ابتدا در «حد اعتدال» مشروب الکلی مینوشیدند. با در نظر گرفتن همه این جوانب این عقیده در حال رشد است که خودداری کامل از صرف مشروبات الکلی طریقه سالم‌تری را به عالم بشریت ارائه می‌دهد.

نظر دیانت بهائی در مورد استعمال این مواد بطور وضوح در آثار بهائی ذکر شده است. نه تنها خودداری کامل از استعمال کلیه مشروبات الکلی فرض شده بلکه در تاریخ بی‌سابقه است که آثار مقدسه دیانتی در مورد تأثیر الکل و مواد مخدر روی عقل و روح انسان باین درجه واضح و روشن بیان شده باشد.

در زیر منتخباتی از آثار بهائی در باره الکل و مواد مخدر، ذکر می‌شود:

منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله:

**«ای پسر خاک از خمر بی‌مثال محبوب لایزال چشم  
مپوش و بخرم کدره فانیه چشم مگشا. از دست ساقی  
احدیه کاوس باقیه برگیر تا همه هوش شوی و از سروش  
غیب معنوی شنوی. بگو ای پست فطرتان از شراب باقی  
قدسم چرا بآب فانی رجوع نمودید» (۲۵).**

و نیز می‌فرمایند:

«إِيَّاكُمْ أَنْ تُبَدِّلُوا حَمْرَ اللَّهِ بِخَمْرِ أَنْفُسِكُمْ لِأَنَّهَا يُخَاْمِرُ الْعَقْلَ وَ

يُقَلِّبُ الْوَجْهَ عَنِ وَجْهِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْبَدِيعِ الْمُنِيعِ» (٢٦)

منتخباتی از آثار حضرت عبدالبهاء

«أَمَّا مَسْأَلَةُ أَفْيُونٍ كَثِيفٍ مَلْعُونٍ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ  
بَصْرِيحٍ كِتَابِ أَقْدَسٍ مُحَرَّمٍ وَ مَذْمُومٍ وَ شَرِبَشٍ عَقْلًا ضَرْبِي  
أَزْ جَنُونٍ وَ تَجْرِبَةُ مَرْتَكِبِ أَنْ بَكَلَى أَزْ عَالَمِ إِنْسَانِي  
مُحْرَمٍ. پناه می‌برم از ارتکاب چنین امر فظیعی که  
هادم بنیان انسانیت و سبب خسران ابدی. جان انسان را  
بگیرد وجدان را بمیرد شعور زائل شود ادراک بکاھد زنده  
را مرده نماید حرارت طبیعت را افسرده کند دیگر نتوان  
مضرتی اعظم از این تصوّر نمود. خوشا بحال نفوسی که  
نام تریاک بر زبان نرانند تا چه رسد باستعمال آن»  
(٢٧).

«سبحان الله این مسکر از جمیع مسکرات بدتر و حرمتش  
مصرّح و سبب پریشانی افکار و خمودت روح انسان در  
جمیع اطوار. چگونه ناس باین ثمره شجره زقوم استیناس  
یابند و بحالتی گرفتار گردند که حقیقت نسناس شوند.  
چگونه این شیئی محرم را استعمال کنند و محروم از  
الطاف حضرت رحمن گردند...» (٢٨).

آموزش برای پیشگیری ( PREVENTIVE EDUCATION )

بنابر تعالیم بهائی برای حلّ مشکلات الكل و موادّ مخدّر

باید برنامه‌ای سیستماتیک و عملی بوجود آید. بر حسب این تعالیم هدف از زندگی و سیر بشر در این جهان این است که انسان قابلیت‌ها و استعدادهایی را که باو عطا شده است بکمال رساند و شرافت طبیعت خود و بزرگواری هدف خویش را در خدمت به بشریت بداند. برای رسیدن باین هدف افراد باید در مراحل اولیّه زندگی تربیت شوند و آماده برای این سفر طولانی بسوی کمال گردند. پس آموزش برای پیشگیری بسیار مهمّ است و این پیشگیری در سه مرحله بقرار زیر مورد بحث قرار می‌گیرد.

اول - مرحله فردی: در این مرحله چند تعلیم اساسی باید در نظر گرفته شود:

۱- **پی بردن به هدف زندگی:** برای آنکه شخص بطور کامل متعهد به یک نظام اخلاقی گردد لازمست ابتدا به هدف و معنای زندگی پی برد. دیانت بهائی چنین تعلیم میدهد:

**انسان را از بین امم و خلائق برای معرفت و محبت خود که علت غائی و سبب خلقت کائنات بود اختیار نمود**  
... « (۲۹).

این عشق و معرفت بهم وابسته بوده و شامل جمیع نوع بشر بعنوان شاهکار آفرینش خداوند می‌شود با این طرز فکر بجای آنکه انرژی شخص صرف خود خواهی و بخود مشغول بودن شود برای رفع احتیاجات و بهبود وضع دیگران بکار برده خواهد شد.

خدمت بعالم انسانی برای تحقّق یافتن و بمرحله عمل

رساندن این خواسته‌ها پسندیده‌ترین وسیله است. دیانت بهائی نظر انسان را از خودش به ماورای وجود مادی او توسعه میدهد و به این نکته تکیه میکند که روح انسان در طی سیر و حرکت خود در این جهان باید اکتساب کمالاتی کند که سبب نورانیت این جهان گردد. مانند شخص مسافری که چون در شهرها و ممالک مختلفه سیر و حرکت کند مطلع بر روش و عادات آن سرزمین و اهالی آن میگردد، روح انسان نیز بوسیله تجربیات حاصله در این عالم کسب کمالات مینماید. بنابراین تجربیات تلخ زندگی و امتحانات و شداید این جهان بصورت نبردی برای رشد فردی در می‌آید. الکل و مواد مخدر جز سیر و سیاحتی موهوم در دنیائی خیالی و غیر واقع نیست که در طی آن نه مطلبی فرا گرفته می‌شود و نه معرفتی حاصل میگردد.

۲ - **درک ارزش و شرافت مقام انسان:** درک شرافت مقام انسان در خلقت قدم مهمی در مسئله پیشگیری است. احترام بنفس و بزرگداشت ارزش و مقام انسان رل مهمی را در دید او نسبت بخودش بازی میکند یکی از مهمترین عوامل هدایت کننده بطرف اعتیاد در سراسر جهان مشکل از بین رفتن این حس احترام بنفس است.

درباره شرافت مقام انسان در خلقت حضرت بهاء‌الله چنین میفرمایند:

« يَا ابْنَ الرُّوحِ خَلَقْتَ غَنِيًّا كَيْفَ تَفْتَقِرُ وَ صَنَعْتَ عَزِيْزًا

دیانت بهائی چنین تعلیم میدهد که شرافت و بزرگی مقام انسان در خلقت باید در دید انسان نسبت به خودش متجلی گردد. اگر شخص خود را تحت تأثیر قوهٔ مخربه و مهلکه DEPRECIATION الکل و مواد مخدر قرار دهد مغایر حرمت نفس و بزرگی مقام خود عمل نموده است. بکمک تعلیم و تربیت می‌توان این حس حرمت و بزرگواری مقام انسان را در دوران طفولیت بذر نمود و در طی زندگانی فرد آنرا حفظ کرد در اثر تحقیقات چنین نتیجه‌گیری شده است که اطفالی که نظر مثبت نسبت به شخصیت خود دارند طوری عمل میکنند که منتج به موفقیت‌های بیشتری میشود. این افراد در مواقع سختی‌ها و مشکلات قادر باستقامت بیشتری می‌باشند و اما اطفالی که نظر مثبت نسبت به خود ندارند در جهت عکس عمل میکنند.

۳- **نوع بدیعی از خوشبختی:** اگر بخواهیم دید خود را نسبت به مواد مخدر عوض کنیم، لازم است نظر و دید خود را دربارهٔ مفهوم خوشبختی و لذت در زندگی نیز تعویض نماییم. بعضی از جوامع خوشبختی را عبارت از داشتن امکان خرید و یا مالکیت تصور می‌نمایند بدیعی است این خوشبختی واقعی نیست بلکه خوشبختی واقعی احساسی است که در حقیقت در اثر تجربیات روحانی در درون ما ایجاد می‌گردد و نمی‌توان آنرا مانند محصولی از خارج وارد کرد.

۴\_ **اطاعت و آزادی:** در جامعه مفهوم واقعی آزادی باشتباه تعبیر شده است. مخصوصاً در بین معتادین که معتقدند با بدن و عقل خود حق دارند هر طور بخواهند عمل کنند. در حالی که نفس اعتیاد بموادّ مخدّر، آزادی واقعی آنان را در اینکه خودشان باشند از آنان می گیرد. بنابر اعتقاد بهائی آزادی عبارت از خلاصی و نجات انسان از اسیری عالم طبیعت است. اعتقاد بهائی درباره حریت و آزادی بر روی اطاعت از قوانین و دستورات خداوند که در دوره ظهور ادیان نازل شده پایه گزاری شده است و معتقد است اگر چنین اطاعتی فارغ از تعصّبات باشد بانسان این آزادی را می دهد که بتواند شخصیت حقیقی خود را حفظ کند. حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

**«از جمله تعالیم حضرت بهاءالله حریت انسان است که**

**به قوه معنویّه از اسیری عالم طبیعت خلاص و نجات یابد**

...» (۳۱)

بعلاوه چشم پوشی از لذتی آنی بمنظور نیل به هدفی عالی خود نشانه ای از بلوغ انسانی محسوب می گردد. اطاعت از اصول اخلاقی این قدرت کنترل نفس و خودداری شخص را بمنظور نیل به اهداف او تقویت می کند. اصل مهمّ اطاعت از احکام حضرت بهاءالله سبب عدم شرب الکل و اعتیاد بموادّ مخدّر در جمع بهائیان جهان میباشد.

در دیانت بهائی مصرف مشروبات الکلی و بکار بردن کلیّه موادّ مخدّر که بمنظور پزشکی تجویز نشده باشد نهی گردیده

است. در جوامعی که استعمال مشروبات الکلی امری عادی است و تشویق و اصرار رفقا در مورد بکار بردن موادّ مخدّر مشکلی معمول میباشد اجبّاء باید این قدرت و شهامت را داشته باشند که با تمسّک به تعالیم بهائی بتوانند از دیگران متفاوت باشند. عهد انسان به خودداری از استعمال اینگونه موادّ از تعلیم و تربیت سرچشمه گرفته و توسط ایمان و اعتقاد و ارزشهای عالیّه اخلاقی ادامه می یابد.

۵ - **جهت تنزیه و تقدیس:** پاکی و تنزیه و تقدیس از خصوصیات اساسیه برای پیشرفت روحانی و شخصی انسان در سیر این دنیا است. برای رسیدن به این صفات و خصوصیات و حفظ آن لازم است در این بیانات حضرت عبدالبها تعمّق نمود.

**«ای پروردگار اهل بهاء را در هر موردی تنزیه و تقدیس بخش و از هر آلودگی پاکی و آزادگی عطا کن . از ارتکاب هر مکروه نجات ده و از قیود هر عادت رهائی بخش تا پاک و آزاد باشند و طیب و طاهر گردند سزاوار بندگی آستان مقدّس شوند و لایق انتساب بحضرت احدیت. از مسکرات و دخان رهائی بخش و از افیون مورث جنون نجات و رهائی ده و بنفحات قدسی مأنوس کن تا نشأه از بادۀ محبّت الله یابند و فرح و سرور از انجذابات بملکوت ابهی جویند» (۳۲).**

۶ - **مبارزه برای خدمت به عالم بشریت:** رابطه انسان با



محیط اطرافش ساکن و یکنواخت نیست بلکه متحرک است  
DYNAMIC و دائماً در حال تغییر است (۳۳).

دردیانت بهائی از یک‌یک افراد خواسته شده است که کوشش نمایند تا در جمیع جهات زندگی علی‌الخصوص در علم و هنر بنهایت کمال برسند. فعالیت، سعی و کوشش در کار و حرفه با در نظر گرفتن روحیه و هدف خدمت عبادت محسوب می‌شود. این اعتقاد خود مشوق پیشرفت و ترقی شخص شده و او را قادر بر خدمت عالم بشریت می‌نماید. همچنین این اعتقاد مخالف تنبلی و بی‌حوصلگی و احساس بیهودگی که اغلب در محیط‌های اعتیاد دیده می‌شود می‌باشد.

۷ - **جنبه روحانی:** آشنائی با روحانیت و توجه به سرنوشت روحانی انسان در این جهان بفرده کمک می‌کند که بتواند نسبت به خودش و محیط اطرافش دید مثبت داشته باشد. با چنین دید و نظری دربارهٔ حیات، شخص می‌تواند بکمک قوهٔ ایمان و استدلال مفهوم بدیعی را از زندگی بدست آورد تا بتواند حوادث مشکل زندگی را با دید مثبت بپذیرد.

## دوم - خانواده:

در جامعهٔ بهائی جلوگیری از اعتیاد از طریق ایجاد محیط سالم خانواده و تعلیم و تربیت صحیح اطفال اهمیت بسزائی دارد. دیانت بهائی برای تربیت اطفال و حیات عائله که در آن والدین مثل اعلاء برای اطفال هستند اهمیت خاصی قائل شده است.

بنابراین خانه محلّ ایده‌آلی برای شروع پیشگیری از اعتیاد محسوب میشود. وظیفه والدین آن است که ارزشهای اخلاقی و رفتار و کردار روحانی را بفرزندان خود بیاموزند و آنان را با حقایق سخت زندگی آشنا کنند، والدین با خودداری از نوشیدن مشروبات الکلی و استعمال موادّ مخدّر برای اطفال خود نمونه خوبی شده بر روی دید فرزندانشان درباره اعتیاد تأثیر شدیدی خواهند گذاشت. همچنین محبت و یگانگی در خانواده و کوشش برای نیل به کمال نیروی محرّکی برای داشتن نظر مثبت درباره حیات و نبردهای آن خواهد بود.

اطفال از سنین اولیّه طفولیت فرا میگیرند که استعمال الكل و موادّ مخدّر نهی شده است و می‌آموزند که کشمکش‌ها و سختی‌های روزمره زندگی قسمتی از تجربیات انسان جهت رشد و بلوغ او است.

### سوم - اجتماع :

یکی از مطالب مهمی که لازم است بدقت در نظر گرفته شود نقش روش و نظر اجتماع در قبال استعمال الكل و موادّ مخدّر است. عوامل متعدّدی موجود است که استعمال این موادّ را جالب می‌سازد. از جمله این عوامل می‌توان تقویت حسّ ارضای آنی از خواسته‌ها و آرزوهای نفسانی و تقلیل حسّ همراهی و عدم توجه احتیاجات دیگران را نام برد. این مشکل اضافه شده است به سقوط و فروریختن ارزشهای سنتی و از هم پاشیدن ازدواج‌ها و زندگی‌های خانوادگی و اتکای زیاده از حد افراد به قدرتهای

سیاسی و مادی بعنوان منشاء امنیت. از جهت دیگر خرید و داد و ستد و فروش وسیع موادّ مخدّر و در دسترس بودن آنها از طرفی و علاقه و تمایلی که بعّدت تبلیغات وسایل ارتباط جمعی درباره فریبا جلوه دادن موادّ الکلی در افراد ایجاد میشود از طرف دیگر، کار پیشگیری را مشکل ساخته است.

در زیر نظریاتی جهت برنامه پیشگیری از اعتیاد به الکل و موادّ مخدّر ذکر میشود:

۱- تقویت حسّ مقام و ارزش شخصی در فرد و تعلیم و تربیت اعضای خانواده درباره معنی واقعی و هدف زندگی. تربیت کودکان باید ورای روش فعلی تربیت بدنی و عقلانی INTELLECTUAL اطفال رود. بلکه علاوه بر آن باید در تربیت کودکان مسائل روحانی زندگی نیز در نظر گرفته شود. و باید توجّه آنان را به روح بعنوان مرکز حقیقت انسان جلب نمود.

۲- در مورد نشو و نمای PROGRESS and DEVELOPMENT انسان باید علاوه بر احتیاجات مادی متوجّه احتیاجات روحانی او نیز بود و برای تأمین احتیاجات فرد تعادلی مابین این دو ایجاد کرد که نتیجه نهائی آن پیشرفت انسان و درک قابلیت‌های درونی و بیرونی شخص میگردد.

پیشرفت عظیم صنعتی و توجه بمسائل مادی سبب بهبود قابل توجّه بدنی و جسمانی گردیده و همزمان با آن علت بی توجّهی به روحانیت شده است. در نتیجه ما برای راه حلّ مسائل و

مشکلات و گرفتاریهای بشریت فقط از طریق ماشینی و مادی وارد می‌شویم و به جنبه مهم روحانی آن که برای رشد و پیشرفت شخصی بآن احتیاج داریم توجه نمی‌نمائیم. در نتیجه تماس و ارتباط خود را با شخصیت واقعی خویش از دست داده‌ایم. استعمال مواد مخدر گاهی یک اقدام شیمیائی است در برقرار کردن این ارتباط برای حل مشکلاتی که در واقع جنبه انسانی و طبیعت روحانی دارد. مثلاً خوشحالی و مسرت که بشریت همواره در پی آن است حالت فکری است که باید از طریق ارتباطات مفید و پرمعنی ایجاد گردد نه از طریق مواد مخدر.

بوجود آمدن رقابت در بدست آوردن موفقیت‌های مادی سبب شده است که از طرفی یک حالت مسابقه برای رسیدن به موفقیت ایجاد گردد و از طرفی دیگر تحمل در مقابل شکست کم شود. در نتیجه تعدادی از کسانی که از نظر احساسات متزلزل و بی‌ثبات هستند در مقابل حقیقت تلخ زندگی مسابقه‌ای به الکل و مواد مخدر پناه می‌برند.

دیانت بهائی می‌آموزد که همکاری باید جایگزین رقابت شود و مشورت و هماهنگی بجای مقابله و انزوا قرار گیرد تا روح اشتراک و غمخواری غالب گردد.

۳- تعلیم و تربیت گروه‌ها از سن‌های مختلف و طبقات اجتماعی و اقتصادی متفاوت که در مقابل همه جهات زندگی بدنی، احساساتی، عقلانی، روحانی و اجتماعی بتواند مؤثر باشد. چنین تعلیم و تربیتی باید یک حس هدف مشترک در زندگی را ترویج

دهد. باید افراد را تشویق کند که در علم و هنر و رشته‌های دیگر خدمت مشغول گردند و این خدمت را بصورت فعالیتی برای بهبود شخصی خود ببینند. وحدت عالم بشریت باید محوری باشد که همه فعالیتها دور آن بحرکت آیند. وقتی چنین شود حس بیگانگی ALIENATION و انزوا که محرک اعتیاد است از بین خواهد رفت.

۴- باید حس شخصیت را در افراد خصوصاً جوانان ایجاد کرد و آنان را تشویق نمود که برای مقابله با تنبلی و بی‌حوصلگی بجستجوی جهت‌های دیگر مثبت روند. اجتماع موظف است این جهت‌ها را تأمین کند و مشوق قوه ابتکار و خدمت به هموعان گردد.

۵- جز در مواردی که بمنظور پزشکی مورد احتیاج باشد باید از آسان بدست آمدن الکل و مواد مخدر قویاً ممانعت گردد و افرادی را که در اجتماع بعنوان نمونه‌های مهم شناخته شده‌اند از قبیل معلمین، اشخاص معروف، سیاستمداران و پیشروان اجتماع باید تشویق کرد که با خودداری از استعمال الکل و مواد مخدر برای دیگران نمونه شوند. نقش وسایل ارتباط جمعی مخصوصاً تلویزیون باید بطور جدی مورد مطالعه قرار گیرد و باید از آنان خواسته شود که بجای انتشار تبلیغات فعلی بنفع الکل و مواد مخدر افراد اجتماع را در مورد جلوگیری از این مواد تعلیم دهند. همچنین لازم است همکاری روزافزون بین المللی ایجاد گردد که کشت و ساختن و پخش مواد مخدر محدود به استفاده‌های پزشکی شود.

پرگرام فعلی سازمان ملل متحد در خصوص کنترل مواد مخدر در صورتی موفق خواهد شد که دولتهای جهان و طبقات مختلف جامعه بشری مصرأ متعهد گردند که با یکدیگر برای رسیدن باین هدف همکاری نمایند.

## یادداشت‌ها

- ۱- حضرت بهاء‌الله، منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله صفحه ۱۲۷
- ۲- حضرت عبدالبهاء، مفاوضات عبدالبهاء، چاپ هند صفحه ۱۴۸
- ۳- حضرت عبدالبهاء، رساله مدنیّه صفحه ۲
- ۴- حضرت اعلیٰ، منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی صفحه ۶۶.
- ۵- حضرت عبدالبهاء، فورل، نابغه بهائی، مؤسسه معارف بهائی  
صفحه ۹۶
- ۶- حضرت عبدالبهاء، مفاوضات عبدالبهاء صفحه ۸۵
- ۷- حضرت بهاء‌الله، کلمات مکنونه، مؤسسه معارف بهائی صفحه ۳
- ۸- مأخذ بالا، صفحه ۴
- ۹- عبدالمیشاق قدیریان، در جستجوی نیروانا IN SEARCH OF NIRVANA
- ۱۰- حضرت بهاء‌الله، مجموعه مناجات صفحه ۴
- ۱۱- حضرت بهاء‌الله، ادعیه حضرت محبوب صفحه ۴۶
- ۱۲- حضرت عبدالبهاء، مفاوضات عبدالبهاء صفحه ۱۴۹
- ۱۳- در جستجوی نیروانا IN SEARCH OF NIRVANA صفحه ۵۱-۵۲
- ۱۴- مأخذ بالا
- ۱۵- مأخذ بالا
- ۱۶- مأخذ بالا
- ۱۷- حضرت بهاء‌الله، منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله صفحه ۱۶۷
- ۱۸- حضرت عبدالبهاء، خطابات حضرت عبدالبهاء جلد ۱ صفحه ۷
- ۱۹- حضرت بهاء‌الله، کلمات مکنونه، صفحه ۳

- ۲۰- حضرت عبدالبهاء، گلزار تعالیم بهائی، نشرثانی صفحه ۱۱۴
- ۲۱- مأخذ بالا
- ۲۲- بیت العدل اعظم، دستخط مورخ ۱۵ اپریل ۱۹۶۵
- ۲۳- بیت العدل اعظم، دستخط مورخ ۱۹ می ۱۹۶۵
- ۲۴- حضرت عبدالبهاء، امر و خلق، جلد ۳ صفحه ۵۱
- ۲۵- حضرت بهاء الله، کلمات مکنونہ صفحه ۳۴
- ۲۶- حضرت بهاء الله، گلزار تعالیم بهائی صفحه ۴۵۸
- ۲۷- مأخذ بالا صفحه ۳۴۶
- ۲۸- مأخذ بالا صفحه ۳۹۵
- ۲۹- حضرت بهاء الله، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله صفحه ۵۰
- ۳۰- حضرت بهاء الله، کلمات مکنونہ صفحه ۴
- ۳۱- حضرت عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء،  
چاپ ولیمت صفحه ۲۹۲
- ۳۲- مأخذ بالا صفحه ۱۴۶
- ۳۳- د. س. جوردن، «در جستجوی طلسم اعظم» ورلد اوردر جلد  
۵ شماره ۱ (۱۹۷۰) صفحه ۱۵-۲۰



## سایر انتشارات مؤسسه معارف بهائی

- ۱\_ نفحات فضل ۱ (صلوة و ادعیة مخصوصه) و نوار صوتی ۹ دلار
- ۲\_ نفحات فضل ۲ (زیارتنامه روضه مبارکه) و نوار صوتی ۹ »
- ۳\_ نفحات فضل ۳ (الواح وصایای حضرت عبدالبهاء) و نوار صوتی ۹ »
- ۴\_ نفحات فضل ۴ (کلمات مبارکه مکنونه) لغتنامه و نوار صوتی ۱۰ »
- ۵\_ عهد و میثاق (مجموعه آثار مبارکه) ۵ »
- ۶\_ الوان در آثار بهائی تألیف دکتر وحید رأفتی ۶ »
- ۷\_ عقل و دین و جامعه در اندیشه بهائی تألیف دکتر نادر سعیدی ۵ »
- ۸\_ مطالعات تحقیقی و جامعه بهائی نوشته دکتر موزان مؤمن ۳,۵ »
- ۹\_ رساله مدنیته و مسئله تجدد در خاور میانه نوشته دکتر نادر سعیدی ۸ »
- ۱۰\_ برهان حقانیت پیغمبران نوشته روح الله مهرباخانی ۶ »
- ۱۱\_ انسان در عرفان بهائی نوشته دکتر نادر سعیدی ۵ »
- ۱۲\_ مجموعه مقالات (هشت رساله از هفت نویسنده بهائی) ۱۲ »
- ۱۳\_ آموزش معارف بهائی (سه جزوه) ۵ »
- ۱۴\_ دیانت بهائی آئین فراگیر جهانی، جلد مقوائی ۱۸ دلار جلد شمیزی ۱۱ »
- ۱۵\_ نظم جهانی بهائی جلد مقوائی ۲۰ دلار جلد شمیزی ۱۲ »
- ۱۶\_ جلد دوم آثار دکتر داودی جلد مقوائی ۳۰ دلار جلد شمیزی ۲۲ »
- ۱۷\_ جلد سوم آثار دکتر داودی جلد مقوائی ۳۳ دلار جلد شمیزی ۲۵ »
- ۱۸\_ نظر اجمالی در دیانت بهائی تألیف احمد یزدانی ۱۴ »
- ۱۹\_ شرح ایصال پیام صلح حضرت عبدالبهاء به انجمن دائمی صلح لاهه ۷ »
- ۲۰\_ فورل نابغه بهائی نوشته دکتر نصرت الله محمدحسینی ۷ »
- ۲۱\_ مآخذ اشعار عربی در آثار بهائی، جلد مقوائی ۱۶ دلار جلد شمیزی ۱۱ »
- ۲۲\_ مفهوم حیات روحانی جلد مقوائی ۱۱ دلار جلد شمیزی ۸ »
- ۲۳\_ کتاب قرن بدیع جلد مقوائی ۶۰ دلار جلد شمیزی ۴۰ »
- ۲۴\_ ظهور رب الجنود جلد مقوائی ۳۶ دلار جلد شمیزی ۱۶ »
- ۲۵\_ لغت فصیحی و لغت نوراء نوشته ایادی امرالله علی اکبر فروتن ۵ »
- ۲۶\_ یوسف بهاء در قیوم الاسماء جلد مقوائی ۲۰ دلار جلد شمیزی ۱۲ »
- ۲۷\_ ندا به اهل عالم اثر حضرت ولی امرالله ترجمه هوشمند فتح اعظم ۹ »
- ۲۸\_ خانمیت (نشر دوم) جلد مقوائی ۱۶ دلار جلد شمیزی ۱۰ »
- ۲۹\_ پیروزی یک عقیده، نوشته سرکیس مایجیان نویسنده ارمنی ۶ »
- ۳۰\_ ارکان نظم بدیع جلد مقوائی ۳۳ دلار جلد شمیزی ۲۵ »
- ۳۱\_ هدیه ازدواج جزوه برای مزدوجین بهائی ۱,۵ »
- ۳۲\_ آئین صابئین، روح الله مهرباخانی، جلد مقوائی ۲۴ دلار جلد شمیزی ۱۶ »
- ۳۳\_ یادگار جناب اشراق خاوری جلد مقوائی ۲۵ دلار جلد شمیزی ۱۷ »
- ۳۴\_ فصل الخطاب جناب ابوالفضائل جلد مقوائی ۳۲ دلار جلد شمیزی ۲۲ »
- ۳۴\_ مظهریت، شالوده الهیات بهائی نگارش دکتر نادر سعیدی ۱۲,۵۰ »



**BAHÁ'Í STUDIES**  
**Number 9**

**ALCOHOL AND DRUG  
ABUSE**

By  
**Dr. 'Abd'u'l-Mítháq Qadíriyán**

Translated by  
**Dr. Farnang Jabbárí**

Copyright © 1995, 152 B.E.

ISBN 1-896193-12-9

Institute for Bahá'í Studies in Persian

P.O. Box 65600, Dundas, Ontario, L9H 6Y6, Canada

Telephone (905) 628 3040 Fax (905) 628 3276